

تحقیق در اخذ تأمین و وثیقه

بحث در این مقاله پیرامون اخذ تأمین و وثیقه است: زیرا بعضی نظر بعمومیت و اطلاق ماده ۱۳۶ مکرر لایحه اصلاحی قسمتی از مواد قانون آئین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۳۵ شمسی اخذ تأمین و وثیقه را از متهم و یا دیگری که حاضر برای دادن وثیقه است بلاشکال دانسته‌اند و برخی با توجه بمادتین ۱۳۶ مکرر سابق و ماده ۱۳۶ مکرر اصلاحی و مقایسه و دقت در مفاد مادتین مذکور اخذ تأمین و وثیقه از غیر متهم را جایز نمیدانند و هر دسته برای اثبات ادعا و حجت عقیده خود دلایلی اقامه میدارند که برای روشن شدن موضوع بدوآ بدرج قسمتی از مادتین مورد بحث و سپس بذکر و بررسی دلائل هر دسته مبادرت میشود:

ماده ۱۳۶ مکرر سابق قانون آئین دادرسی کیفری:

«هرگاه متهمی که وثیقه داده و یا دیگری بجای او وثیقه داده است در

موعد مقرر حاضر نشود مدعی العموم امر خواهد داد که وثیقه بِنفع دولت ضبط شود:

این امر به کسیکه وثیقه را داده ابلاغ خواهد شد آن شخص میتواند

تا ده روز از تاریخ ابلاغ به محکمه ابتدائی که مدعی العموم در حوزه آن

ماموریت دارد شکایت نماید الی آخر...»

ماده ۱۳۶ مکرر لایحه اصلاحی قسمتی از مواد قانون آئین دادرسی کیفری مصوب

سال ۱۳۳۵

«هرگاه متهمی که التزام یا وثیقه داده در موقعیکه حضور اولارم

دانسته شده بدون عذر موجه حاضر نگردد و وجه التزام بدستور دادستان از

متهم اخذ و وثیقه بِنفع دولت ضبط خواهد شد متهم میتواند پس از ابلاغ

دستور دادستان در ظرف ده روز بدادگاه شهرستان شکایت نماید.. الی آخر.»

دلائل کسانیکه اخذ تأمین و وثیقه را از متهم یا دیگری صحیح میدانند:

الف - با توجه به اطلاق و عمومیت مدلول ماده ۱۳۶ مکرر اصلاحی که میگوید

هرگاه متهمی که التزام یا وثیقه داده اخذ تأمین و وثیقه از غیر متهم نیز جائز است و ماده

مذکور بلحاظ اطلاق و عمومیت مشمول غیر متهم نیز میگردد و متبادر بذهن و ملحوظ کلام

از جمله هرگاه متهمی چنین است چه اگر دیگری بجای متهم وثیقه مورد نظر را تودیع نماید

عرفاً مانند آنستکه متهم تودیع نموده است.

ب - با التفات بماده ۱۳۳ قانون آئین دادرسی کیفری که میگوید:

تحقیق در اخذ تأمین وثیقه

« مستنطق در باب قبول وجه الضمانه با کفیل قراری داده آنرا امضاء

کرده کفیل یا دهنده وجه الضمانه نیز امضاء مینمایند. »

با توجه به شق ۴ ماده ۱۲۹ همان قانون که وثیقه را اعم از وجه نقد و مال منقول و غیر منقول دانسته نظر قانونگذار از دهنده وجه الضمانه مذکور در ماده ۱۳۳ متهم یا کسی است که بجای وی وثیقه داده است. چه اگر غرض مقنن اخذ تأمین وثیقه از شخص متهم بود جا داشت بجای دهنده وجه الضمانه کلمه متهم ذکر گردد.

ج - ایفاء دین از ناحیه غیر مدیون نیز جایز است و بر طبق اصول و قواعد کلی در امور کیفری قوانین باید برفع متهم تغییر و تفسیر گردد و استنباط و اجتهاد از قوانین مذکور بنحویکه حقوق متهم را تحدید و تضمین نماید بر خلاف اصول مقرر است :

دلایل کسانی که اخذ تأمین از غیر متهم را جایز نمیدانند :

الف - برابر نص ماده ۱۳۶ مکرر سابق اخذ تأمین وثیقه از متهم جایز بود چه آنکه قانونگذار بلافاصله پس از جمله :

هر گاه متهمی که وثیقه داده است جمله: « با دیگری بجای او وثیقه داده

است » را قید نموده و همچنین در مقام ضبط مورد وثیقه بیان داشته است : این امر بکسی که وثیقه داده است ابلاغ میشود آن شخص میتواند تا ده روز از تاریخ ابلاغ بمحکمه ابتدائی که مدعی العموم در حوزه آن مأموریت دارد شکایت کند

حال آنکه در ماده ۱۳۶ مکرر اصلاحی دو جمله مذکور حذف و بجای آن عبارت در موقعی که حضور او لازم شده و بدون عذر موجه حاضر نگردد وجه التزام بدستور دادستان از متهم اخذ و وثیقه بنفع دولت ضبط خواهد شد و متهم میتواند پس از ابلاغ دستور دادستان در ظرف ده روز بدادگاه شهرستان شکایت نماید اضافه و اصلاح گردیده است.

ب - قانونگذار در ماده ۱۳۶ مکرر اصلاحی پس از جمله وجه التزام بدستور دادستان از متهم اخذ بلافاصله وسیله و او عاطفه عبارت و وثیقه بنفع دولت ضبط خواهد شد و متهم میتواند پس از ابلاغ دستور دادستان در ظرف ده روز بدادگاه شهرستان شکایت نماید را عنوان کرده است : بناء علیهذا نظر قانونگذار فقط اخذ وثیقه از متهم بوده است و لا غیر ، زیرا :

با توجه بوجود او و عاطفه بین دو عبارت فوق الذکر معلوم میگردد وجه التزام و وثیقه حسبالمورد بدستور دادستان از متهم اخذ و ضبط میگردد و نیز دستور دادستان بمتهم ابلاغ شده و وی میتواند پس از ابلاغ دستور بدادگاه شهرستان شکایت کند و دیگری حق شکایت ندارد :

بنابراین ، بفرض محال چنانچه دیگری بتواند بجای متهم وثیقه دهد با صراحت ماده ۱۳۶ مکرر اصلاحی چگونه میتوان دستور دادستان را در مورد ضبط مورد وثیقه باو ابلاغ نمود؟

تحقیق در اخذ تأمین وثیقه

و بر طبق کدام یک از مواد قانون آئین دادرسی کیفری حق شکایت خواهد داشت؟

و آیا بدون ابلاغ دستور دادستان بدهنده وثیقه میتوان دستور ضبط مورد وثیقه را داد؟

ممکن است گفته شود دادستان مراتب را بمتهم ابلاغ مینماید و نامبرده حق شکایت دارد و این حق از دهنده وثیقه سلب گردیده است این تعبیر نیز عقلانی نیست که کسی بجای متهم وثیقه دهد و دستور دادستان در مورد ضبط مورد وثیقه بمتهم ابلاغ گردد و دهنده وثیقه بی اطلاع بماند!

در نتیجه تمام این اشکالات بعلت جز از اخذ تأمین وثیقه از غیر متهم حاصل میگردد. ج - برابر نص ۱۳۶ مکرر اصلاحی اخذ تأمین وثیقه باید از متهم بعمل آید و تسری دادن آن بغیر متهم اجتهاد در مقابل نص است و جایز نیست.

نتیجه - با توجه بقوت و قدرت دلائل و استدلال کسانیکه اخذ تأمین وثیقه را از متهم جایز نمیدانند و صراحت ماده ۱۳۶ مکرر اصلاحی و اطلاق کلمه دهنده وثیقه مذکور در ماده ۱۳۳ آئین دادرسی کیفری که مورد استناد مخالفین است بر متهم،

و اینکه بفرض مغایر و معارض بودن با ماده ۱۳۶ اصلاحی مورد معارض نسخ ضمنی گردیده است اخذ تأمین وثیقه از غیر متهم را جایز نمیدانند بهر حال جا دارد اساتید محترم و اربابان فن در موضوع مورد بحث اظهار نظر و چنانچه نویسنده در اشتباه است هدایت و ارشاد فرمایند.

پایان

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی